



رابطه تشکلهای

دیگر با نظام

امامت

نظام امامت

طرح تشکل در اسلام

و شکستن وحدت مسلمانان تعبیر می‌شود ، یک عنوان معروف بین مسلمین است که علمای اسلامی آن را ناپسند و گناه می‌دانند در قسمتی از بحثهای گذشته در ضمن روایاتی که نقل کردیم به این مطلب نیز اشاره کردیم و اینک با استفاده از دو بحث قرآنی موضوع را تکمیل می‌کنیم :

الف- لزوم تبعیت از راه مسلمین

قرآن مجید در سوره نساء آیه ۱۱۵ می‌فرماید : کسی که با رسول خدا در شقاق باشد و بعد از آنکه حق برای او روشن شد با وی مخالفت نماید و غیر از راه مؤمنین راه دیگری را پیروی کند ما (در دنیا او را به خودش واگذار می‌کنیم) و بهمان راهی که رفته است می‌بریم و (در آخرت) او را به جهنم می‌سپاریم و بد جایگاهی است جهنم . در آیه شریفه دو چیز مطرح شده

مخصوصی لازم است ، هر نظام اداری یک تشکل مخصوصی است که با اساسنامه و آئین نامه ، مخصوصی اداره می‌شود . در واحدهای صنعتی ، آموزشی ، نظامی ، کشاورزی و غیره اگر تشکیلات نباشد اداره آن امور مفلوک می‌ماند و ناگزیر برای اداره آنها تشکلهای متعدد و مختلف لازم است . احزاب سیاسی نیز در نظام امامت می‌توانند با شرایط مخصوصی به صورت یک نهاد ارشادی استعدادها را شناسائی و جذب نمایند و آنها را با نظام امامت آشنا کنند بدون اینکه جناح بندی بوجود بیاورند و خود را از دیگران جدا بدانند . در باره این موضوع توضیح بیشتری داریم که ذیلاً مطرح می‌کنیم :

جناح بندی و شق عصای مسلمین .

شق عصای مسلمین که بمعنای دونیم کردن

نظام امامت همانطوری که مشروحاً بیان شد ، یک تشکل فراگیر است و هر مسلمان معتقد به اسلام ناگزیر است خود را در آن تشکل وارد نماید و کناره گیری از آن ، گناه محسوب می‌گردد ، بنابراین تشکلهای دیگر باید بگونه‌ای تنظیم گردد که در داخل حوزه امامت جناح بندی بوجود نیاورد . هر تشکیلاتی که در داخل حوزه امامت جناح بندی بوجود بیاورد امت را به دو شق و دو گروه تقسیم نماید - و به اصطلاح معروف است موجب شق عصای مسلمین گردد خلاف شرع است و وارد شدن در آن تشکیلات ، گناهی بزرگ محسوب می‌گردد .

اگر می‌گوئیم نظام امامت یک تشکل فراگیر است به آن معنی نیست که بخواهیم تشکلهای دیگر را نفی کنیم زیرا برای انجام هر کار و هر عمل اجتماعی ، تشکیلات

از گناهان بزرگ به حساب آمده است: یکی مسئله شقاق و مخالفت با رسول خدا و دوم مسئله انتخاب راه غیر از راه (حقی) راکه مو' منین می‌روند:

"و من یشاقق الرسول من بعد ما

"تبین له الهدی و یتبع غیر"

"سبیل المؤمنین نوله ما تولی و"

"تصله جهنم و سالت مصیرا"

اگر چه بعضی از مفسرین گفته‌اند مجازاتی که در آیه شریفه تعیین شده (یعنی سلب توفیق در دنیا و عذاب دوزخ در آخرت) مخصوص کسانی است که هر دو عنوان را دارا باشند، یعنی بعد از روشن بودن حق، با علم و آگاهی با رسول خدا مخالفت نمایند و نیز راه خود را از مو' منین جدا کنند ولی خیلی روشن است که انتخاب راهی غیر از راه حقی را که مو' منین می‌روند و خداوند آنها را به رفتن آن راه امر نموده و در پیش گرفتن یک منی خاص سیاسی که جامعه را به دو نیم می‌کند و جناح بندی خطرناک به وجود می‌آورد و عده‌ای را از مو' منین جدا می‌سازد، خود عنوانی است مستقل که اطلاق آیه شریفه "و یتبع غیر سبیل المؤمنین" آن را شامل می‌شود. بنابراین از آیه شریفه به خوبی استفاده می‌شود که: جناح بندی در حوزه امامت و جدا کردن عده‌ای را از مو' منان در خط اسلام و امام و ضربه زدن به جماعت مسلمین و متلاشی کردن تشکیلات فراقبر اسلامی گناهی است که موجب گمراهی انسان در دنیا و موجب عقاب او در آخرت است.

بر حسب نقل نهج البلاغه، نامه ۶ بعد از آنکه مردم با امام علی (ع) بیعت کردند و ولایت او را پذیرفتند، حضرت نامه‌ای به معاویه نوشتند که در آن نامه چنین آمده

است: همان مردمی که با خلفای قبل از من بیعت کردند با من نیز بیعت نمودند (و پس از اینکه مردم بیعت نمودند و با امام خود پیمان وفاداری بستند) نه برای کسانی که در بیعت حاضر بودند و نه کسی که بیعت او را بشکنند و نه کسی که غائب بوده می‌تواند امامت او را رد نماید. اگر کسی بخواهد بعنوان اعتراض یا بدعت گذاری و شکستن بیعت از امر مردم خارج گردد (و راه دیگری را انتخاب کند) مردم او را به راهی که از آن خارج شده بر می‌گردانند و اگر از برگشتن امتناع ورزد و روی موضع خود سرخنی کند با او می‌جنگند زیرا او غیر از راه مو' منین راه دیگری را انتخاب کرده و از آن تبعیت نموده است و خداوند (از او سلب توفیق می‌کند) و او را به همان راهی که رفته می‌برد.

در این نامه علی (ع) شکستن بیعت و کناره گیری از امام و ایجاد تفرقه در صفوف مسلمین را گناه دانسته و این عمل را بعنوان تبعیت از غیر راه مو' منین، عملی خطرناک معرفی نموده و خاطر نشان ساخته است که مو' منان باید با تفرقه افکنان که همراه مو' منین بر نمی‌گردند و به آنها نمی‌پیوندند پیگار نمایند تا آنها را به راه خود برگردانند و از جملات امام (ع) کاملاً مشهود است که در آدای این مطلب، به آیه شریفه نظر داشته و آن را مستند فرمایش خود قرار داده است و آنچه در نظر آن حضرت مهم بوده و به معاویه اعلام خطر نمود است جدا شدن او است از راه حقی که امت انتخاب کرده است. قسمتی از متن نامه این است:

"قلم یکن للشاهد ان یختار و لا..."

"للفاتیه ان یرد... فان خرج من"

"امرهم خارج بطن او بدعوت و نه"

"الی ما خرج منه فان اسی قاتلوه"

"علی اتباعه غیر سبیل المؤمنین"

"و وآله الله ما تولی"

اصحاب جمل که می‌خواستند نظام امامت علی (ع) را متلاشی کنند و جبهه دیگری تشکیل دهند، وارد بصره شدند. عثمان این

حنیف فرماندار بصره جریان آنها را به عرض امام رسانید، امام در جواب فرماندار نامه ای به این شرح نوشتند:

"فان عادوا الی ظل الطاعه فذاک"

"الذی نحب و ان توافقت الامور"

"بالقوم الی الشقاق و العصیان"

"فانهد بمن اطاعتک الی من عصاک"

اگر به اطاعت برگشتند این همان است که ما دوست داریم (و باید از تعرض مصون باشند) و اگر کار آنها به دشمنی و نافرمانی کشید با کمک کسانی که فرمان تو را می‌برند بپاییز و در مقابل آنها ایستادگی کن.

با توجه به مدارک مذهبی جای هیچگونه تردیدی نیست که اگر مردم برگرد امامی که مورد تأیید اسلام است و با برگرد نماینده آن امام، در یکی از بلاد اسلامی جمع شده‌اند و تشکل مذهبی بوجود آمده‌اند، متفرق کردن آنها از گرد امام و ضربه زدن به آن تشکل حرام و از گناهان بزرگ است. بنابراین همانطوری که اشاره کردیم: هر تشکلی که به نظام امامت ضربه می‌زند و مردم را به راهی غیر از راه امامت و امت می‌برد و یا جماعت مسلمین را از هم می‌پاشد و جناح بندی بوجود می‌آورد، آن تشکل غیر اسلامی و هرگونه کمک به آن گناه و خلاف شرع محسوب می‌گردد.

ب- داستان مسجد ضرار

همانگونه که از قرآن مجید و روایات وارده استفاده می‌شود، در زمان رسول خدا (ص) عده‌ای که قصد ایجاد تفرقه بین مسلمانان را داشتند خدمت حضرت رسیده و از ایشان اجازه خواستند تا مسجدی جداگانه بسازند و اظهار آنها این بود که بعضی از پیر مردان و افراد علیل و ناتوان هستند که به علت دوری راه نمی‌توانند به مسجد حاضر شوند و نیز گاهی از شبها هوا بارانی است و برای افراد حضور در مسجد از راه دور مشکل است ولی باطن امر این بود که قصد ایجاد تفرقه بین مسلمانان را داشتند و می‌خواستند

پایگاهی برای دشمنان خدا و رسول بسازند! پس از اینکه مسجد را آماده کردند خدمت رسول خدا رسیدند و از آن حضرت خواستند که به عنوان افتتاح مسجد اولین نماز به امامت شخص ایشان اقامه شود.

در آن هنگام رسول خدا عازم مسافرت برای تبوک بودند لذا فرمودند: **فعلسادر آستانه مسافرت هستم، انشاءالله پس از مراجعت از سفر ترتیب کار داده می شود.** هنگامی که رسول خدا از تبوک مراجعت فرمودند خداوند با پیامی به رسول خود برده از روی کار آنها برداشت و آیاتی به این شرح بر پیغمبر نازل فرمود:

"والذین اتخذوا مسجدا ضارا"
 "و کفرا و تفریقا بین المؤمنین و"
 "ارصادا لمن حارب الله ورسوله"
 "من قبل و لیحلفن ان اردنا الا"
 "الحسنی و الله یشهد انهم"
 "لکاذبون . لا تقم فیہ ابدا ."
 "لمسجد اسس علی التقوی من اول"

"بوم احق ان تقوم فیسه" (۱)
 گروهی دیگر از منافقان کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زبان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و ایجاد تفرقه در بین مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و رسول او می جنگید. آنها سوگند یاد می کنند که جز نیکی نظری نداشته ایم اما خداوند گواهی می دهد که آنها دروغگو هستند. هرگز در آن مسجد به عبادت قیام نکن (نماز نخوان). آن مسجدی که امروز اول برپایه تقوی بنا شده شایسته تر است که در آن قیام و عبادت کنی.

از آیات یاد شده که برده از روی کسار منافقان و مخالفان رسول خدا برداشته استفاده می شود که این مسجد دارای چهار خصوصیت بوده است:

- ۱- برای اجتماع مسلمانان ضرر داشت و باعث می شده که تجمع آنها کمتر باشد.
- ۲- باعث تقویت کفر بوده است.
- ۳- در بین مؤمنان ایجاد تفرقه می کرده و آنها را از یکدیگر جدا می نموده است.

۴- سنگری برای دشمنان خدا بوده و مخالفان آن را آماده می کردند تا محلی باشد برای فعالیت های ضد اسلامی شخصی که سابقه ستیز با خدا و رسول را داشته است، خداوند به پیامبر خود اعلام می کند که هرگز در آن مسجد نماز نخواند و عمل آنها را تأیید ننماید اگرچه ظاهر کار آنها نشان دهد که قصد خدمت داشتند. بطوری که در بعضی از تفاسیر آمده پس از نزول این آیات رسول خدا (ص) دستور دادند تا آن مسجد را خراب کنند. مسلمانان ابتدا سقف آن را آتش زدند و بعد بنای آن را ویران

در اسلام، قدرت باید در دست امام به پشتیبانی امت باشد و احزاب باید بکوشند قدرت امام را بیشتر و امت را متشکلاتر و حوزه امامت را گسترده تر نمایند و اگر غیر از این راهی را انتخاب کردند، برخلاف نظام امامت گام برداشته اند و مؤمنین حق دارند در مقابل آنها موضع بگیرند تا آنها را به راه مؤمنین برگردانند.

نمودند و رهن آن را زباله دان شهر قرار دادند.

از آیات یاد شده استفاده می شود:

هر تشکیلاتی که برای اجتماع مسلمانان ضرر داشته باشد و عدهای را از گرد رهبر و جمع مؤمنان جدا کند و آنها را بصورت گروه خاصی در آورد بگونه ای که خود را از دیگران جدا و دیگران را از خود بیگانه بداند، آن تشکیلات مورد رضای خدا نبوده و مسلمانان باید برای متلاشی کردن آن قاطعانه برخورد نمایند، اگر چه ظاهر

آن نشان بدهد که بمنظور خدمت بنا شده است. و از این داستان استفاده می شود: به تشکیلات و سازمانهایی که مسلمانان را از رهبر جدا می کند و به وحدت آنها لطمه می زند نباید خوشبین بود زیرا با همه ظاهر فریبندهای که دارد ممکن است توسط عوامل ناشناختگی به منظور تقویت دشمن و تضعیف اسلام بوجود آمده باشد و سنگری برای دشمنان خدا باشد. ضرر زدن به وحدت مسلمانان و کم نمودن جمعیت آنها و ایجاد تفرقه و جناح بندی و رودررو قرار دادن مؤمنان و تقویت کفر و ساختن پایگاه برای دشمنان اسلام که مجموع آن در آیات شریفه آمده هر کدام عنوان مستقلی است که برای اسلام خطرناک معرفی شده و مورد نهی قرار گرفته است.

آزادی احزاب و حفظ

وحدت در امت

با توجه به بحث های گذشته این سؤال مطرح می شود که تعدد احزاب معمولاً موجب جناح بندی می گردد و این مطلبی است که تجربه نشان داده و غالباً هر حزبی یک جناح مخصوص را تشکیل داده است. پس چگونه در اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعدد احزاب آزاد اعلام شده؟ آیا این امر برخلاف نظام امامت نیست؟! جواب این است که در اصل یاد شده چنین آمده است:

«احزاب، جمعیتها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی... آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.»

چنانکه ملاحظه می کنید این اصل آزادی

اوج خود به زد و خوردها و جنگ و نزاعها نیز منتهی می‌گردد.

عامل دوم-

قدرت طلبی و برتری جوئی

اگر یک گروه بخواهد قدرت طلب باشد و برتری جوئی داشته باشد بگونه‌ای که خود را از دیگران برتر بداند و بخواهد قدرت‌ها را در دست بگیرد و دیگران را از دور خارج کند. این عمل علاوه بر اینکه خلاف شرع است موجب دلسردی دیگران و موضع‌گیری آنها می‌شود و سرانجام به دسته بندی‌های خطرناک منتهی می‌گردد.

عامل سوم-

خودمحوری و انحصار طلبی

خودمحوری آن است که فردی یا گروهی خود را محور حق بداند و معتقد باشد که آنچه ما می‌فهمیم حق است و راه فقط همان است که ما می‌رویم دیگران نه شعوری دارند و نه حق را درک می‌کنند. و انحصار طلبی آن است که گروهی با شخصی بخواهد همه پستها را در انحصار خود در آورد، این اخلاق نیز از روح شیطنی و هوای نفس سرچشمه می‌گیرد و در احزاب، عامل جناح بندی می‌گردد.

عامل چهارم-

تعصبات حزبی و گرایشهای گروهی

یکی از مؤثرترین عوامل جناح بندی، گرایشها و تعصبات گروهی است که معمولاً در احزاب دنیا وجود دارد. تعصب گروهی آن است که هر گروه از افراد گروه خود بی‌مورد حمایت کند و برای آنها در برابر قانون، امتیازی قائل باشد! این عمل نیز موجب جدائی و تفرقه می‌گردد و برای وحدت امت زبان بار است. امید است خداوند توفیق اتحاد بیشتر عنایت فرماید.

ادامه دارد

۱ - سوره توبه، آیه ۱۰۷ و ۱۰۸.

را بیشتر و امت را مشکلت‌تر و حوزه امامت را گسترده تر نمایند، و اگر غیر از این راهی را انتخاب کردند باید بدانند به غیر راه مؤمنین می‌روند و بر خلاف نظام امامت کام بر می‌دارند و مؤمنین حق دارند در مقابل آنها موضع بگیرند تا آنها را به راه مؤمنین برگردانند.

شرح عوامل جناح بندی

عوامل جناح بندی در احزاب چند چیز است که قبلاً به آنها اشاره کردیم و شرح

تعصب گروهی آن است که

هر گروه از افراد گروه خود

بی‌مورد حمایت کند و برای

آنها در برابر قانون، امتیازی

قائل باشد. این عمل موجب

جدائی و تفرقه

می‌گردد و برای وحدت امت

زبان بار است.

تال‌حاج علوم انسانی

کوناها آنها را ذیلاً از نظر خوانندگان

می‌گذرانیم:

عامل اول-

رقابت‌های منفی و موضع‌گیریهایی

خصمانه

رقابت منفی این است که گروهی برای بالا بردن خود رقیب را بکوبد و با آنها خصمانه برخورد کند و همیشه در صدد تضعیف آن باشد. این نوع رقابت معمولاً منجر به اختلاف و دسته بندی می‌شود و در

احزاب را در صورتی صحیح می‌داند که موازین اسلامی رعایت شود و اساس جمهوری اسلامی نقض نگردد. و در اصل دوم قانون اساسی می‌گوید:

«جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به خدای یکتا و... و امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی».

در این اصل امامت جزء پایه و اساس جمهوری اسلامی معرفی شده است. بنا بر این از نظر قانون اساسی آزادی احزاب مشروط است به اینکه نظام امامت را که جزء پایه و اساس جمهوری اسلامی است نقض نکند و به وحدت امت لطمه‌ای وارد نسازد. اگر برنامه احزاب بگونه‌ای تنظیم گردد که از خطر رهبری بیرون نروند و به جماعت مسلمین لطمه‌ای نزنند و رهبر را - بر طبق موازین شرعی و قانونی - انتخاب نمایند، تعدد آنها مانعی ندارد و اگر احزاب بخواهند به وحدت مسلمین آسیبی نرسد باید از کلیه کارهایی که جناح بندی بوجود می‌آورد و مسلمانها را از یکدیگر جدا می‌سازد مانند رقابت‌های منفی و گروه گرائیها و خود-محوریها و قدرت طلبی‌ها و تعصبات گروهی به شدت جلوگیری نمایند. در این صورت حزب تبدیل به یک کانون ارشادی و تربیتی می‌گردد بدون اینکه موضع خاص سیاسی جدای از سیاست عموم امت داشته باشد. بنابراین حساب حزب در اسلام از حزبیه شیوه‌های غربی جدا است. احزاب غربی معمولاً در کسب قدرت و بدست گرفتن امر سیاست با یکدیگر رقابت دارند و هر حزبی می‌کوشد قدرت را بدست گیرد ولی در اسلام قدرت باید در دست امام به پشتیبانی امت باشد و احزاب باید بکوشند که قدرت امام